

شاخصه‌های مدیریت کارآمد از نگاه امام علی (علیه السلام)

زهرا زارعی دودجی^۱

چکیده:

از جمله عوامل تاثیرگذار در موفقیت جوامع مدیریت است؛ که به عنوان دانش اداره کردن یک مجموعه و تدبیر استفاده بهینه از نیروها است همچنین مدیریت، یکی از ارکان زندگی اجتماع است و با سرنوشت افراد ارتباط پیدا می‌کند. در اسلام نیز مدیریت بر مبنای مکتب وحی است. در اندیشه اسلامی مدیریت ناشی از حاکمیت ارزش‌های دینی است و با مدیریت غربی تفاوت دارد به طوری که در مدیریت در غرب به معنای دست نشاندگی و حکومت بر مردم است؛ بنابراین لازم و ضروری است دیدگاه ارزشمند امام علی (علیه السلام) در رابطه با مدیریت و اصول و قواعد کارآمد مدیریتی که حضرت در طول حکومت خود از آن استفاده می‌کردند و همچنین شاخصه‌های مدیریت کارآمد مانند: تصمیم گیری، سعه صدر، دانایی و هوشیاری، ساده زیستی، پرهیز از خشم و غضب، عدالت، تقوی و... مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، اخلاق، امام علی (علیه السلام)، شاخصه، مدیریت.

مقدمه:

یکی از عواملی که در سعادت جامعه نقش دارد، شایستگی و جامع شرایط بودن مدیران و کارگزاران آن جامعه است. در جهان معاصر، سازمانها رکن اصلی جوامعاند و شرایط مختلف باعث ظهور و گسترش سازمانها و موسسات است. بدیهی است که سازمانها هنگامی می‌توانند در به انجام رساندن ماموریتها و اهداف خود موفق شوند که از مدیریتی توانمند و کارآمد برخوردار باشند؛ زیرا مدیریت مهم‌ترین عامل تداوم حیات و استمرار موفقیت سازمان است و نقش مهمی در پیشرفت سازمان به عهده دارد. با توجه به اجتماعی بودن انسان مدیریت یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌رود و از دیرباز مورد توجه بوده است؛ درکتب و منابع اسلامی نیز مدیریت موضوعی است که سابقه‌ی آن به صدر اسلام می‌رسد و در کلمات نورانی حضرت علی (علیه السلام) به این موضوع پرداخته شده است. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت جوامع توانمندی مدیران است که با استفاده بهینه از امکانات مسیر ترقی یک کشور را فراهم می‌کنند. بدون اغراق می‌توان گفت همچنین مدیرانی سرمایه عظیم یک کشورند. از این رو برآنیم که در این مقاله پس از تعریف و ضرورت علم مدیریت به بیان معیارهای لازم برای مدیران بپردازیم و با نگاه اجمالی به خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه اخلاق و ویژگی‌های مدیران اسلامی پرداخته می‌شود.

1 - مفهوم شناسی

الف - اسلام

اسلام در لغت عبارتند از: «الاستسلامُ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَهُوَ الْإِنْقِيَادُ لِطَاعَتِهِ، وَ الْقَبُولُ لِأَمْرِهِ»¹ و در اصطلاح عبارتند از: از ریشه «سَلَمَ» وارد شدن در صلح و آرامش اسلام در شریعت دو گونه است: 1. به درجه ایمان نرسیده است و آن اعتراف با زبان است که با این اعتراف خونس در امان است.

«به تو می گویند ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید: اسلام آورده‌اید زیرا هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است»²

2. فوق ایمان است و آن علاوه بر اعتراف با زبان دارای اعتقاد قلبی و وفای با فعل است و در تمام امور که خداوند مقدر کرده است تسلیم خداوند است.³ و «الاسلامُ فی الشرع علی ضَرِینِ أَحَدُهُمَا دُونَ الْإِيْمَانِ وَ هُوَ الْاعْتِرَافُ بِاللِّسَانِ وَ بِهِ يُحَقَّنُ الدِّمُ حَصْلَ مَعِهِ الْإِعْتِقَادُ أَوْ لَمْ يَحْصُلْ وَ آيَاهُ قُصِدَ وَ الثَّانِي فَوْقَ الْإِيْمَانِ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ مَعَ الْاعْتِرَافِ اعْتِقَادُ الْقَلْبِ وَ وَفَاءُ بِالْفِعْلِ وَاسْتِسْلَامٌ لِلَّهِ فِي جَمِيعِ مَا قَضَى وَ قَدَّرَ»⁴

ب - اخلاق

التعريف الاخلاق: ممزقٌ مِنْ جوانبه،⁵ اخلاق از ریشه «خُلِقَ»، السَّجِيَّة. يقال: خالصُ المومن وخالق الفاجر. و فی الحديث: ليس شيءٌ فی الميزان أثقل من حُسن الخُلُق؛ الخُلُقُ بضم الـام وسكونها؛ و هو الدين والطبع و السجیة، و حقیقته أنه لصوره الانسان الباطنه و هی نفسه و اوصافها و معانیها. و لهما اوصاف الحُسنه و قبیحه، والثواب و العِقَاب يتعلقان باوصاف الصوره الباطنه و لهذا، تَكَرَّرَتُ الْأَحَادِيثُ فِي مَدْحِ

¹. فراهیدی، عین، ج 1، ص 848.

². «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تَمُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»، سوره حجرات: 14.

³. ولد بیگی، فرهنگ قرآنی مفردات راغب، ص 243.

⁴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص 335.

⁵. فراهیدی، همان، ج 1، ص 522.

حَسَن خَلْق.¹

در اصطلاح اخلاق: بر وزن قفل و عنق به معنی عادت و طبع و مروت و دین است. چنانچه در قاموس و اقرب گفته: «وَأَنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» حقا که بر تو خلق عظیمی استواری.²

ج - مدیر

مدیر: از ریشه «دبر»: التدبیرُ فی الامر، اتَنْظَرُ ال ما توولُ الیه عاقِبَتِهِ. والتَّدْبَرُ: التَّفْکَرُ فیهِ. والتدبیر: أَنْ یَتَدَبَّرَ الرَّجُلُ أَمْرَهُ وَیُدَبِّرَهُ ائِ یَنْظُرُ فی عَوَاقِبِهِ.³

2 - علم مدیریت و تعاریف آن در مکاتب مدیریتی

الف - مدیریت و معانی آن

ریشه عربی کلمه مدیریت «دور» و «دوران» است که به معنای گردیدن و گرداندن است در فارسی مدیریت به معنای مدیر بودن و مدیری است و مدیر به اداره کننده کاری یا موسسه‌ای گفته می‌شود. در جایی دیگر به معنای: با مهارت، کنترل کردن، با تدبیر یا چاره کردن، هدایت کردن و مواظبت کردن آمده است.⁴ در متون اسلامی کلمه مدیر نیامده ولی به کلمه مدبر اشاره شده است: «پس سوگند به تدبیر کنندگان کارها».⁵

البته لازمه مدیریت، تدبیر است زیرا تا کسی تدبیر کننده یعنی مدبر نباشد نمی‌تواند مدیر باشد.

ب - تعریف علم مدیریت

در سیر تحول دانش مدیریت طی قرون و سالهای اخیر، کوششی مداوم در جهت یافتن عناصر مشترک در تصمیم گیری و اداره سازمان‌ها مشاهده می‌گردد که اساس علم مدیریت را تشکیل داده است.

¹. ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 194.

². قرشی، قاموس قرآن، ج 1-2، ص 293.

³. ابن منظور، همان، ص 283.

⁴. انصاری و دیگران، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ص 4.

⁵. «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا...»: نازعات: 5.

پیشرفت علم و تمدن در زمینه‌های گوناگون و زندگی جوامع بشری همواره پیچیدگی‌های روز افزونی را از نظر تشکیلات و اداره سازمانها به وجود آورده است که باعث تجدید نظر پژوهشگران علم مدیریت در اصالت تئوری مدیریت شده است. از نظر سنتی علم مدیریت عبارتند از: «به کار گرفتن کلیه امکانات موجود در موقعیتی خاص به منظور رسیدن به هدف یا هدفهای مشخص»¹

مدیریت شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل برنامه ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، رهبری و کنترل بر روی منابع سازمان با هدف دستیابی به مقاصد سازمان به شیوه کارا و اثر بخش است.² بر مبنای کلمه مدیر علم مدیریت تعریف شده است به: «علمی که انسان را به انجام کارها از طریق دیگران هدایت می‌کند.» و اخلاق مدیریت عبارت است از ویژگی‌هایی که انجام کار از طریق دیگران را میسر می‌سازد و با این ویژگی‌ها است که انسان می‌تواند دانش مدیریت را به کار ببندد و به هنر مدیریت متصف گردد در اینجا به مساله دیگری می‌رسیم و آن رابطه مدیریت و سازمان است. بر اساس آنچه در تعریف مدیریت آمد مدیریت و سازمان لازم و ملزوم یکدیگرند و ارتباط آنها ناگسستنی است؛ یعنی تحقق مدیریت بدون سازمان و تحقق سازمان بدون مدیریت ممکن نیست.³ سازمان عبارتست از گروهی که برای وصول به هدف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. قدرت و توانایی هر سازمان رابطه مستقیم با قوت مدیریت آن سازمان دارد. هر چه مدیریت صحیح‌تر و قوی‌تر باشد سازماندهی و انجام کارهای جمعی بهتر و کامل‌تر و تواناییهای سازمان افزون‌تر می‌شود.⁴

3 - ضرورت و اهمیت مدیریت در اسلام

مدیریت یکی از ارکان زندگی اجتماعی است؛ در اجتماع، منافع و مقاصد افراد و و سرنوشت اشخاص با یکدیگر اشتراک و ارتباط پیدا می‌کند. ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی تا آن جا است که حتی بسیاری از حیوانات به صورت اجتماعی زندگی می‌کنند و براساس فرمان غریزه مدیری را بر می‌گزینند. حال انسان‌ها که به صورت غریزی زندگی می‌کنند، به طریق اولی نیازمند سازماندهی، برنامه ریزی و سیستمی هستند که بتواند آنها را به سوی هدفشان رهنمون کند. مدیریت و راهکارهای آن و تربیت

¹. اصغرپور، تصمیم‌گیری و تحقق عملیات در مدیریت، ص 1.

². آقاپیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص 3.

³. ری شهری، اخلاق مدیریت در اسلام، ص 12.

⁴. همان.

توکل یکی از مباحث مهم مدیریت اسلامی و یکی از مولفه‌های اصلی آن است، و عبارتست از اعتماد و اتکا بر خداوند متعال در تمام کارها و تکیه بر اراده او، با اعتقاد به اینکه او آفریننده سبب‌ها و چیره بر همه آنهاست و سبب‌ها با اراده او در سببیت کامل می‌شوند و تاثیر می‌گذارند، البته به این معنا نیست که انسان از جستن نیازهای خود و فراهم کردن مقدمات آنها بی‌نیاز باشد و گمان کند که وسایل ظاهری و طبیعی، سببیت ندارند؛ بلکه به این معنا است که تمام توجه و امید خود را به اسباب و علل ظاهری منحصر نکند و به اراده خدا که سبب ساز و سبب سوز است توجه نماید.¹

بنابراین توکل بر خدا و حواله کردن همه امور به او، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر اراده آدمی است و هیچ چیز مانند توکل، آدمی را محکم و استوار نمی‌کند و اسباب توفیق او را فراهم نمی‌سازد.² امیر مومنان در یکی از بیانات نورانی خود می‌فرمایند: «اساس و ریشه قوت قلب، توکل بر خداوند متعال است.»³

3 - اهمیت دادن به نماز

امام علی (علیه السلام) در اهمیت به نماز خطاب به محمد بن ابی بکر وقتی که اداره مصر را به او سپرد، فرموده است:

«نماز را به هنگامی که برای آن مقرر شده است، به جای آور، نه وقت آن را به علت فراغ از کار پیش انداز نه به سبب اشتغال به کار به تأخیر افکن و آگاه باش هر کار تو وابسته به نماز توست.»⁴

¹. پیروز و دیگران، همان، ص 74.

². همان، ص 75.

³. «أصل قُوَّة القلب التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ»؛ همان.

⁴. «صَلِّ الصَّلَاةَ لَوَقَّتَهَا الْمُوَقَّتُ لَهَا ، وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتُهَا لِفِرَاقٍ ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتُهَا لِاسْتِغْثَالٍ.»؛ نهج البلاغه، خطبه 27.

نتیجه گیری:

از آنچه گفتیم واضح و روشن است که بحث مدیریت یکی از مباحث مهم در صدر اسلام تا کنون بوده است و براساس معنویت و فرهنگ اسلامی بنا شده است؛ و اگر مدیریت بر مبنای اسلامیش در جامعه اجرا شود می‌تواند جامعه اسلامی را به هدف خود که پیشرفت و آسایش و کمال مسلمانان است برساند. یک مدیر اسلامی تنها زمانی می‌تواند در به انجام رساندن مأموریت‌های خود که همان آخرت گرایی و رسیدن به ارزش‌های الهی است موفق باشد، که در مدیریت خویش از الگوهای صحیح اسلامی در بحث مدیریت که یکی از والاترین الگوها شیوه اداره حکومت توسط حضرت علی (علیه السلام) است استفاده کند و آن‌ها را به کار بندد. و در جامعه‌ای که مدیرانش از روش‌های مدیریت اسلامی استفاده می‌کنند و آن را اجرا می‌کنند و در مسیر تحقق اهداف الهی و اسلامی گام می‌نهند، بی شک به هدف خود که اصلاح جامعه و رساندن افراد جامعه به کمال است، دست پیدا می‌کنند.

فهرست منابع:

* قرآن

* نهج البلاغه

الف - کتب فارسی

1. آذر دشتی، امیر هوشنگ، **کندکاوی در مدیریت علوی**، قم، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، چاپ اول، 1386 ه.ش.
2. اصغرپور، محمد جواد، **تصمیم گیری و تحقق عملیات در مدیریت**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1395 ه.ش.
3. آقاپیروز، علی، خدمتی، ابوطالب، شفیعی، عباس، بهشتی نژاد، محمود، **مدیریت در اسلام**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، 1389 ه.ش.
4. افجه‌ای، علی اکبر، **مدیریت اسلامی**، تهران، جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، 1394 ه.ش.
5. انصاری، محمد علی، دعائی، حبیب الله، مرتضوی، سعید، **مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن**، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، چاپ پنجم، 1387 ه.ش.
6. پیشقدم، غلامرضا، **آسیب شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)**، قم، موسسه بوستان کتاب، 1390 ه.ش.
7. جاسبی، عبدالله، **مباحثی از مدیریت اسلامی**، (بی جا)، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، 1378 ه.ش.
8. ری شهری، محمد، **اخلاق مدیریت در اسلام**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، چاپ سوم، 1374 ه.ش.
9. عبداللهی، محمد حسن، **نگاهی به سیره حکومتی امام علی (علیه السلام)**، قم، مرکز نشر

پژوهشهای صداوسیما، 1385 ه.ش.

10. فاضل لنکرانی، محمد، **آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، 1379 ه.ش.

11. مکارم شیرازی، ناصر، **مدیریت فرماندهی**، قم، انتشارات مدرسه امام علی ابن ابی طالب، 1376 ه.ش.

12. واثقی، قاسم، **مدیریت اسلامی**، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، 1383 ه.ش.

ب - کتب عربی

1. ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، جلد 18، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ه.ق.

2. ابن منظور، جمال الدین، **لسان العرب**، جلد 4، انتشارات دارالاحیاء، 1408 ه.ق.

3. راغب اصفهانی، محمد، **مفردات الفاظ قرآنی**، بیروت، انتشارات الامیر، 1431 ه.ق.

4. فراهیدی، خلیل احمد، **عین**، جلد 1، قم، انتشارات اسوه، 1414 ه.ق.

5. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، جلد 1-2، چاپ یازدهم، تهران، دارالکتب اسلامی، 1386 ه.ش.

6. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، دارالاحیاء التراث العربی، 1404 ه.ق.

7. ولد بیگی، جهانگیر، **فرهنگ قرآنی مفردات راغب**، چاپ اول، انتشارات آراس، 1389 ه.ش.

ج - مقالات

1. آقاجانی، آرش، **تبیین ویژگیهای مدیران از دیدگاه نهج البلاغه**، مجله اندیشه صادق، شماره 24، 1385 ه.ش.

د - مجلات

1. مجله پگاه حوزه، **دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم**، کتابخانه فقاقت، جلد 132

۵- نرم افزارها

1. کتابخانه قائمیه اصفهان.